

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۱۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

سال چهارم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۵

## طلوع خورشید از مغرب، نماد یا واقعیت

مصطفی ورمزیار<sup>۱</sup>

مرضیه ورمزیار<sup>۲</sup>

### چکیده

یافته های مربوط به نشانه های ظهور، علائم قیامت یا به طور کلی اتفاقات مربوط به آینده، در برخی موارد غیرعادی و عجیب به نظر می رسد و حتی گاهی چنان انسان را در شگفتی فرو می برد که گمان می رود چنین واقعه ای تحقق نیافتنی است و به فعلیت نخواهد رسید. از این رو در بحث علائم ظهور، این فرضیه مطرح است که چه بسا زبان بیان این گونه موارد، نمادین و غیرواقعی باشد. دجال و مطالب در ارتباط با آن را می توان از این قسم برشمرد.

نوشتار پیش رو با روش تحلیل منابع حدیثی، این امر را بررسی می کند و در پی پاسخ گویی به این پرسش هاست که آیا طلوع خورشید از مغرب به عنوان یکی از علائم ظهور یا نشانه های قیامت، جریانی واقعی است یا نمادین؟ آیا چنین حادثه ای رخ خواهد داد یا دارای معنایی و رای این ظاهر است و به امری دیگر همچون ظهور امام مهدی علیه السلام یا نظایر آن اشاره دارد؟ آن گاه پس از ارائه مستندات دو طرف، به این نتیجه خواهد رسید که این واقعه، امری واقعی است؛ اگر چه نمادین بودن آن نیز خالی از عنایت و اهتمام نیست.

### واژگان کلیدی

مهدویت، اشراف الساعة، علائم ظهور، طلوع خورشید از مغرب.

۱. کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن (نویسنده مسئول) (mova277@yahoo.com).

۲. دانشجوی دکتری اخلاق اسلامی.

## مقدمه

طلوع خورشید از مغرب به عنوان یکی از علائم ظهور و یا از اشراط الساعة و نشانه‌های قیامت، در منابع شیعه و اهل سنت بیان شده است در منابع اهل سنت به عنوان اشراط الساعة با ویژگی‌های خاصی در کیفیت طلوع و وضعیت مردم بعد از طلوع بیان شده مطرح گردیده است و روایات بیانگر عدم قبولی ایمان و توبه پس از طلوع، به وفور در منابع ایشان یافت می‌شود؛ در منابع شیعه نیز همین مفاهیم انعکاس دارد با این تفاوت که واقعه طلوع را با ظهور امام مهدی علیه السلام مرتبط کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۱۹؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۷۰؛<sup>۱</sup> جزایری، ۱۴۱۷: ج ۲، ۷۹)<sup>۲</sup>.

درباره طلوع خورشید از مغرب دو نظریه عمده مطرح است؛ اول آن که این امر یک حادثه واقعی است و خورشیدی که همیشه از جانب مشرق طلوع می‌کند و در جهت مغرب غروب می‌نماید بر خلاف انتظار، از همان جایی که غروب کرده سر بر خواهد آورد و دیگر آن که این که این جریان در واقع امر رخ نخواهد داد نمی‌دهد و طلوع خورشید از مغرب یک تعبیر نمادین از ظهور موعود علیه السلام است.

قبول فرض نخست، سؤالاتی را با خود به همراه خواهد داشت؛ آیا این اتفاق قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام واقع خواهد شد و به عنوان علامت برای آن خواهد بود و یا نزدیک قیامت رخ خواهد داد و بعد از آن بساط زندگی جمع خواهد شد و یا این که دو بار رخ خواهد داد یکی هنگام ظهور موعود علیه السلام و دیگر بار هم قبل از قیامت؟ سه دیدگاه در این زمینه مطرح است.

پژوهش حاضر در پی تبیین دو دیدگاه عمده واقعی بودن و یا نمادین بودن طلوع خورشید از مغرب است، و اما بحث علامت ظهور بودن طلوع خورشید از مغرب، تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد که در این مجال نمی‌گنجد و مورد نظر این نوشتار نیست.

## نماد و سمبل

نماد واژه‌ای فارسی است که از ریشه نما و نمایش و نمایاندن گرفته شده (عمید، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۹۱۹) و به معنای نشانه برای چیزی است (انوری، ۱۳۸۱: ج ۸، ۷۹۶۲) و در عربی معادل

۱. «قد جاءت الأخبار بذكر علامات لزمان قيام القائم المهدي علیه السلام وحوادث تكون أمام قيامه، وآيات ودلالات: فمنها: ... وركود الشمس من عند الزوال إلى وسط أوقات العصر، وطلوعها من المغرب».

۲. «قد استفاض في الروايات أن طلوع الشمس من مغربها من علامات ظهور صاحب الدار علیه السلام».

رمز و علامت (همو) و در فرانسه و انگلیسی، هم معنی با سمبل (آریان پور، ۱۴۶۴: ۱۳۸۵) است.

### معیار نمادین بودن مفاهیم

عدم امکان تحقق علائم ظهور و یا حوادث عادی آخر الزمان به طور عادی را می‌توان یکی از مهم‌ترین ملاک‌ها برای نمادین بودن شان دانست و طلوع خورشید از مغرب نیز چون به طور عادی امکان پذیر نیست و یا از نظر برخی افراد موجب برهم زدن نظام هستی است، از این رو فرضیه نمادین بودن آن مطرح می‌شود.

### هدف از تعابیر نمادین

#### الف) سخن گفتن به اندازه فهم مخاطب

گاهی ضرورت اقتضاء می‌نماید که معصوم در سخن گفتن با مخاطب، میزان درک و فهم او را لحاظ نماید و بهترین شیوه را برای انتقال مفهوم به او برگزیند. در انتقال حقایق آینده بشری که معصوم بر آن واقف و آگاه است و مخاطب، ناآگاه، این امر اجتناب‌ناپذیر است. در روایات مربوط به حوادث آینده گاهی به خاطر این‌که معصوم علیه السلام هماهنگ با درک مخاطب سخن می‌گوید چاره‌ای ندارد جز این‌که از تعابیر نمادین استفاده کند، به عنوان مثال اگر مراد از دجال، در حوادث آینده آخر الزمان، ماهواره یا ابر قدرت‌های امروزی باشد و معصوم با علم خود این را بداند و بخواهد همین معنا را در ذهن مخاطب زمان خود مجسم کند راهی ندارد جز این‌که از تعابیر نمادین بهره جوید.

#### ب) گریز از خطر با تقیه و پنهان‌کاری

در پاره‌ای موارد به خاطر وجود شرایط خاص حاکم بر یک زمان همچون موقعیت تقیه و یا مسائل دیگر، معصوم یک مفهوم را با تعابیر رمزی بیان می‌کند تا فقط مخاطب خاص آن را درک کند مانند روایت صعصعة که از بیان رمزی امیر المؤمنین در مورد طلوع خورشید از مغرب، ظهور امام مهدی علیه السلام را درک می‌کند و در پاسخ سؤال کننده آن را شرح می‌دهد (صدوق، ۱۴۰۵: ۵۲۵ - ۵۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۹۴).<sup>۱</sup>

۱. «فقال صعصعة: يا ابن سيرة إن الذي يصلي خلفه عيسى بن مريم عليها السلام هو الثاني عشر من العترة، التاسع من ولد الحسين بن علي عليها السلام وهو الشمس الطالعة من مغربها يظهر عند الركن والمقام فيطهر الأرض ويضع ميزان العدل فلا

### ج) استفاده از ظرفیت هنر در بیان مفاهیم

هنر برای تبیین مفاهیم دینی دارای ظرفیتی باور نکردنی است. گاهی به کار بردن یک کلید واژه هنری، بار زیادی از معانی را در بر می‌گیرد به عنوان مثال تعبیر کشتی و یا کشتی نجات در مورد اهل بیت علیهم‌السلام (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵) در بر دارنده معنای دادرسی، نجات و امنیت؛ و یا عبارت غار محکم در مورد ایشان (همو: ۳۹۳) بیان کننده مفاهیم پناه‌گاه، امنیت و آسایش؛ و یا استفاده از واژه خورشید در مورد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۸، ۵۰) و امام علیه‌السلام (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۰۰؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۷۷؛ همو، ۱۳۷۹: ۹۸)، بیان‌گر هدایت‌گری، نفع عمومی و تعبیر طلوع خورشید در مورد ظهور امام مهدی علیه‌السلام (نعمانی، ۱۴۲۲: ۱۵۲ - ۱۵۳؛ طبری شیعی، ۱۴۱۳: ۴۶۸؛ حلی، ۱۳۷۰: ۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵، ۶۵)، دربرگیرنده معانی متعددی همچون غلبه نور بر ظلمت، عالم‌گیر بودن ظهور و بهره‌مندی عمومی از آن و ... است.

### طلوع خورشید از مغرب یک واقعیت خارجی و عینی

طلوع خورشید از مغرب که در زمره حوادث آخر الزمان شمرده شده یک تغییر در مطلع خورشید است و به صورتی واقعی انجام خواهد گرفت و برای مردم ملموس بوده و باعث تعجب ایشان خواهد شد این نظریه نیازمند اثبات است، این مهم با رد ادله نمادین بودن و بیان استدلال واقعی بودن انجام خواهد گرفت.

### دلایل نمادین بودن طلوع

با در نظر گرفتن معنای ظاهری روایات در منابع شیعه و اهل سنت، طلوع خورشید از مغرب یک حادثه واقعی است که رخ خواهد داد، اما این فرضیه که طلوع خورشید از مغرب حقیقتی و رای معنای ظاهری آن داشته باشد و منظور از آن، ظهور امام مهدی علیه‌السلام باشد، نیز قابل طرح است و دارای مؤیداتی است.

### الف) فهم مخاطبان حدیث

در کتاب *کمال‌الدین* شیخ صدوق، خطبه‌ای از امیر المؤمنین علی علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت، داستان دجال و کشته شدنش به دست امام مهدی علیه‌السلام را مطرح می‌کنند و می‌فرماید بعد از آن حوادث بزرگی است. ما پرسیدیم آن‌ها چیست؟ حضرت فرمود: «خروج دابة الارض و

این بعد از طلوع خورشید از مغرب است. «راوی می‌گوید از صعصعة بن صوحان پرسیدم: منظور امیرالمؤمنین علیه السلام از این کلمات چه بود؟ صعصعة جواب داد: مراد حضرت از کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌خواند دوازدهمین نفر از عترت و نهمین فرزند امام حسین است و همو خورشید طلوع کننده از مغربش است (صدوق، ۱۴۰۵: ۵۲۵ - ۵۲۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲، ۱۹۴).<sup>۱</sup>

قرائن، در فهم متون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند و برخی از قرائن در متون نوشتاری ثبت نشده و یا قابل ثبت نبوده‌اند. به عنوان مثال در متن نوشتاری حالت سؤالی گوینده از حالت اخباری او قابل تفکیک نیست؛ مکث در کلمات و یا تأکید بر کلمات قابل تشخیص نیست؛ به ویژه در متون قدیمی که از علایم ویرایشی و حتی نقطه و حرکت نیز استفاده نمی‌شد. ولی حاضران در گفت‌وگو این قرائن را لمس کرده‌اند و از این روست که در اصول فهم حدیث، برای فهم مشافهین للخطاب حسابی ویژه باز می‌کنند و آن را راهگشا برای فهم متون دینی می‌دانند. داستان صعصعة بن صوحان نیز از این قبیل است، وقتی وی از کلام امام علی علیه السلام در مورد طلوع خورشید از مغرب، امام مهدی علیه السلام را می‌فهمد فهم وی اگر چه برای ما حجت نیست، اما به عنوان قرینه قابل استفاده است.

پاسخ: به هر حال این کلام از معصوم علیه السلام صادر نشده است و توان مقابله با روایات صریح در مورد واقعی بودن طلوع را ندارد.

#### (ب) فهم علماء و حدیث شناسان

مرحوم فیض کاشانی در کتاب الوافی که در شرح احادیث نوشته است پس از نقل روایتی از کشف الغمة در مورد این که طلوع خورشید از مغربش از حتمیات است، بیان می‌کند که طلوع خورشید، کنایه از ظهور امام مهدی علیه السلام است و می‌گوید این معنا از برخی احادیث به دست می‌آید (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲، ۴۴۶).<sup>۲</sup>

۱. «... عن النزال بن سبرة قال: خطبنا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام فحمد الله عز وجل وأثنى عليه و صلى على محمد وآله، ثم قال: ... ثم ترفع الدابة رأسها فيراها من بين الخافقين بإذن الله جل جلاله وذلك بعد طلوع الشمس من مغربها فعند ذلك ترفع التوبة... قال النزال بن سبرة: فقلت لصعصعة بن صوحان: يا صعصعة ما عني أمير المؤمنين عليه السلام بهذا؟ فقال صعصعة: يا ابن سبرة إن الذي يصلي خلفه عيسى بن مریم عليه السلام هو الثاني عشر من العترة، التاسع من ولد الحسين بن علي عليهما السلام وهو الشمس الطالعة من مغربها يظهر عند الركن والمقام فيظهر الأرض ويضع ميزان العدل فلا يظلم أحد أحدا».

۲. «وفى كشف الغمة عن أبي حمزة قال قلنا لأبي جعفر عليه السلام خروج السفيناني من المحتوم قال نعم و النداء من المحتوم

این کلام قابل مناقشه است؛ زیرا در همین حدیث با دو فاصله<sup>۱</sup> خروج قائم را نیز محتوم شمرده است و این کنار هم قرار گرفتن، مانع از قبول کلام مرحوم فیض خواهد شد. و نیز در جای دیگر طلوع را کنایه از حوادث کیهانی در آستانه قیامت می‌داند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۱۵، ۶۱).<sup>۲</sup>

علامه طباطبایی نیز پس از نقل احادیث طلوع خورشید از مغرب و پذیرش واقعی بودن این حادثه به احتمال نمادین بودن این جریان و رمزی بودن آن هم اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۷، ۳۹۱، بحث روایی).

### ج) محال بودن طلوع خورشید از مغرب و به هم خوردن نظم عالم

طلوع خورشید از مغرب اگر به صورت واقعی باشد، بر هم زدن نظام هستی را در پی خواهد داشت و مردم از زندگی طبیعی محروم خواهند شد؛ در حالی که مطابق برخی روایات، زندگی بعد از طلوع ادامه دارد. بنابراین طلوع خورشید از مغرب تعبیری نمادین است و واقعیت خارجی پیدا نخواهد کرد.

امیرالمؤمنین می‌فرماید:

آگاه باشید مردم بعد از طلوع خورشید از مغرب مانند امروز هستند - زندگی ادامه دارد - و به دنبال ازدواج و تناسل هستند، مرد به مرد می‌رسد سؤال می‌کند چه زمانی متولد شده‌ای جواب می‌دهد از طلوع خورشید از مغرب. (مروزی، ۱۴۱۴: ۴۰۲ - ۴۰۳؛ مقدسی شافعی، ۱۳۹۹: ۳۲۶، ب ۱۲، ف ۷؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴، ۵۲۱ - ۵۲۲)

ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که قیامت برپا نخواهد شد تا این که دو پیرمرد کهن سال به هم برسند، یکی از آن‌ها از تاریخ تولد دیگری بپرسد، او در جواب بگوید: زمانی که خورشید از مغرب طلوع کرد (ابو شجاع، ۱۴۰۶: ج ۵، ۸۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۵۹).

**پاسخ:** این استدلال بر پایه عدم امکان طلوع خورشید از مغرب بنا شده است و اثبات امکان

و طلوع الشمس من مغربها محتوم و اختلاف بنی العباس فی الدولة محتوم و قتل النفس الزکیة محتوم و خروج القائم من آل محمد محتوم... انتهی کلامه و کانه کنی بطلوع الشمس من مغربها فی الحدیث عن ظهوره ﷺ كما یظهر من بعض الأخبار.

۱. عبارت حدیث این‌گونه است: «و طلوع الشمس من مغربها محتوم و اختلاف بنی العباس فی الدولة محتوم و قتل النفس الزکیة محتوم و خروج القائم من آل محمد محتوم». اگر طلوع و قائم در کنار هم ذکر می‌شد، می‌توانستیم با حمل معنای او بر عطف تفسیری بگوییم هر دو می‌خواهد یک واقعه را گزارش کند، اما وجود فاصله مانع این توجیه خواهد شد.

۲. «و لعل طلوع الشمس من مغربها کنایة عن أشراف الساعة و قیام القیامة».

یا عدم امکان طلوع خورشید از مغرب نیازمند به پژوهشی جداگانه است اما بطور اجمال با توجه به جریان رد الشمس و برگشت خورشید از مغرب برای حضرت یوشع بن نون علیه السلام (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۸۵؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۲، ۲۶۴؛ اربلی، بی تا: ج ۳، ۲۶۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۲۱۵؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ۷۰ و ۱۲۴ و ۱۲۳؛ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۱، ۲۰۳)، حضرت سلیمان علیه السلام (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۱، ۲۰۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۸، ۷۴۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۴۵۵)، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۷، ۳۵۹، عن زِيَادَةَ الْمَغَازِي) و امیر المؤمنین علیه السلام (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۷۰ - ۷۱؛ کلینی، ۱۳۶۷: ج ۴، ۵۶۱ - ۵۶۲؛ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۲، ۳۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۵۲ - ۵۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۶۷۱ - ۶۷۲)<sup>۱</sup> که به نوعی همان طلوع خورشید از مغرب است، این استدلال خدشه دار خواهد شد.

#### د) به کار بردن تعبیر خورشید و خورشید طلوع کننده در مورد معصومان علیهم السلام

یکی از قرائن فهم معنای نمادین از طلوع خورشید از مغرب، استعمال این واژه در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و ترکیب طلوع خورشید در مورد ائمه علیهم السلام و به ویژه در مورد امام مهدی علیه السلام است.

در آیات «والشمس و ضحیها» شمس در یک روایت، به وجود مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۸، ۵۰) و در نقل دیگر به امیر المؤمنین علی علیه السلام (استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۷۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۴، ۳۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۴، ۷۲) تفسیر شده است. همچنین در روایات زیادی درباره ائمه علیهم السلام، تعبیر خورشید طلوع کننده به چشم می خورد (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۲۰۰؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۷۷؛ همو، ۱۳۷۹: ۹۸).

اگر چه امام مهدی علیه السلام داخل در این تعبیر عمومی است اما غیبت و ظهور ایشان به پنهان و آشکار شدن خورشید، تشبیه شده است.

#### تشبیه ظهور امام مهدی علیه السلام به طلوع خورشید

روایات زیادی از کلمه خورشید و یا خورشید طلوع کننده برای توصیف ظهور امام مهدی علیه السلام استفاده کرده اند. این گروه از روایات برای فهم معنای نمادین از طلوع خورشید از مغرب قرینه خوبی است.

کاهلی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود:

۱. برای بحث در متن و اسناد احادیث رد الشمس امیر المؤمنین علیه السلام نک: امینی، ۱۳۹۷: ج ۳، ۱۲۶ - ۱۴۰.

به هم صلّه بدهید و نیکی کرده و همدیگر را مورد رحمت قرار دهید به خدا قسم زمانی خواهد آمد که شخص برای درهم و دینارش محل مصرفی پیدا نمی‌کند. [روای می‌گوید: پرسیدم: چه زمانی این‌گونه خواهد شد؟ حضرت فرمود: آن وقت که امامتان را نیابید و در غیبت امام به سر برید تا همانند خورشید بر شما طلوع کند در مایوس‌ترین زمان‌ها. (نعمانی، ۱۴۲۲: ۱۵۲ - ۱۵۳)<sup>۱</sup>

سلیمان بن خالد از امام صادق و ایشان از حضرت رسول ﷺ نقل می‌کنند:

چگونه است حال شما آن زمانی که از مهدی مایوس شوید، سپس صاحب شما بر شما طلوع کند مانند شاخ خورشید، اهل آسمان و زمین به واسطه ایشان خوشحال شوند. گفته شد: ای رسول خدا! چه زمانی این‌گونه خواهد شد؟ فرمود: زمانی که مهدی از آن‌ها غایب شود و از او مایوس شوند. (طبری شیعی، ۱۴۱۳: ۴۶۸)<sup>۲</sup>

بریده اسلمی می‌گوید: پیامبر ﷺ به من فرمود:

چگونه است حال تو آن زمانی که امت من از مهدی ﷺ مایوس شوند سپس مانند شاخ خورشید بر آن‌ها ظاهر شود و اهل آسمان و زمین بشارتش را بدهند؟ (حلی، ۱۳۷۰: ۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۶۵)<sup>۳</sup>

### تشبیه غیبت امام مهدی ﷺ به خورشید پشت ابر

جابر بن عبد الله انصاری درباره تفسیر اولی الامر در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» از پیامبر سؤال می‌کند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ایشان خلفای من هستند.» پس از نام بردن ایشان و اشاره به غیبت امام مهدی ﷺ، جابر می‌پرسد: آیا در غیبت ایشان شیعیان از او منتفع می‌شوند؟ حضرت می‌فرماید:

بله، قسم به کسی که مرا به نبوت فرستاده آن‌ها از او بهره‌مند می‌شوند و در غیبت او به نور ولایت او روشنی می‌یابند، همان‌گونه که مردم از نور خورشید بهره‌مند می‌شوند در

۱. «عن الكاهلي، عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: "تواصلوا وتباروا وتراحموا، فوالذي فلق الحبة وبرأ النسمة ليأتين عليكم وقت لا يجد أحدكم لديناره و درهمه موضعا... فقلت: وأنى يكون ذلك؟ فقال: «عند فقدكم إمامكم، فلا تزالون كذلك حتى يطلع عليكم كما تطلع الشمس آيس ما تكونون...»».

۲. «عن شليمان بن خالد، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «قال رسول الله ﷺ: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا اسْتَبَأْسْتُمْ مِنَ الْمَهْدِيِّ، فَيَطْلُعُ عَلَيْكُمْ صَاحِبُكُمْ مِثْلَ قَرْنِ الشَّمْسِ، يَفْرَخُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ أُنِّي يَكُونُ ذَلِكَ؟ قَالَ: إِذَا غَابَ عَنْهُمْ الْمَهْدِيُّ، وَ أَيْسُوا مِنْهُ.»

۳. «أحمد بن محمد بن عيسى عن علي بن الحكم عن يوسف بن عميرة عن أبي داود عن بريدة الأسلمي قال: قال رسول الله ﷺ كيف أنت إذا استئيت أمتي من المهدي فيأتيها مثل قرن الشمس يستبشر به أهل السماء وأهل الأرض.»



وقتی که با ابرها پوشیده است. (صدوق، ۱۴۰۵: ۲۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۶، ۲۴۹)<sup>۱</sup>

سلیمان اعمش می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردم در غیبت حجت چگونه از او بهره‌مند می‌شوند؟ حضرت فرمود: همان‌گونه که از خورشید بهره می‌برند زمانی که ابرها آن را پوشیده باشند. (صدوق، ۱۴۱۷: ۲۵۳؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۲۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۳، ۵ و ج ۵۲، ۹۲)<sup>۲</sup>

اسحاق بن یعقوب می‌گوید:

از ناحیه مقدسه با واسطه محمد بن عثمان توقیعی رسیده است که امام زمان علیه السلام بعد از توضیح درباره غیبت و علت آن فرموده است: و اما چگونگی سود بردن مردم به من در زمان غیبت مانند بهره‌مندی ایشان از خورشید است وقتی که از دیدگان به خاطر ابرها در غیبت باشد. (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۲۸۴؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۹۲)<sup>۳</sup>

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

پیامبر صلی الله علیه و آله در وصیتی به من فرمود: ای علی! ... سزاوار است خداوند اهل ضلال را به بهشت داخل کند و مراد من از اهل ضلال، مؤمنین در زمان فتنه است که به امامت امام غایب معتقدند ... و ایشان در مورد شناخت مکان و شخص امامشان در ضلال هستند. « دلیل این گفته (که سزاوار است آن‌ها را داخل در بهشت کند) این است که خداوند وقتی جرم خورشید که راهنمای شناخت اوقات نمازهاست را از مردم می‌پوشاند، آن‌ها می‌توانند نمازها را تا هنگام اطمینان به دخول وقت تأخیر بیندازند، همین‌طور منتظران ظهور امام که باورمند به امامت او هستند در انجام تمامی واجبات الهی در سعه هستند و این اعمال از ایشان با تمامی شرایطش قبول می‌شود و غیبت امام به او آسیب نمی‌رساند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۴۳، ۹۰، ۱۵-۱۶)<sup>۴</sup>

۱. «... جَابِرُ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ. فُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَمَنْ أَوْلُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ قَالَ هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ... ثُمَّ سَمِعْتِي وَ كَيْتِي حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتَهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ... فَقَالَ صلی الله علیه و آله إِي وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوءَةِ إِنَّهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِه يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ لَيْتِيهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ جَلَّتْهَا السَّحَابُ يَا جَابِرُ هَذَا مَكْنُونٌ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْرُوجٌ عَلَيْهِ فَاعْتَمِدْهُ إِلاَّ عَنِ أَهْلِهِ».

۲. «سلیمان بن مهران الأعمش، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه علي بن الحسين عليه السلام قال: ... قال: سليمان، فقلت للصادق عليه السلام: فكيف ينتفع الناس بالحجة الغائب المستور؟ قال: كما ينتفعون بالشمس إذا سترها السحاب».

۳. «عن إسحاق بن يعقوب أنه ورد عليه من التاجية المقدسة على يد محمد بن عثمان ... و أما وجه الإنتفاع بي في غيبتي فكالاتيفاع بالشمس إذا غيبت عنها عن الأنصار السحاب».

۴. «تفسير النعماني: بالاسناد الآتي في كتاب القرآن قال أمير المؤمنين ... وَأَوْصَانِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ يَا عَلِيُّ ... يَا أَيُّهَا

پاسخ: استفاده کردن از واژه خورشید در مورد ائمه علیهم‌السلام به عنوان یک قرینه خوب است اما یارای مقابله با احادیث صریح در طرف مقابل را ندارد.

#### ه) شباهت وضعیت جامعه بعد از طلوع و جامعه موعود

در برخی روایات علاوه بر بیان تداوم زندگی پس از طلوع خورشید از مغرب، چگونگی آن حیات را ترسیم کرده‌اند و این دورنما با روایاتی که بیان‌گر زندگی عصر ظهور هستند هم‌خوانی بسیار دارد. این مطلب می‌تواند قرینه باشد بر این‌که منظور از طلوع خورشید از مغرب، همان ظهور موعود علیه‌السلام است.

عبدالله بن مسعود از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین نقل می‌کند:

خروج دابة الارض بعد از طلوع خورشید<sup>۱</sup> خواهد بود. وقتی دابة خروج می‌کند، ابلیس را در حال سجده خواهد کشت و مؤمنان پس از آن چهل سال از زندگی در زمین بهره‌مند خواهند شد و هر چیزی که آرزو کنند به ایشان داده خواهد شد و به آن خواهند رسید و ظلم و ستمی نخواهد بود و همه با میل و یا اکراه تسلیم امر خداوند خواهند شد، مؤمنان با رغبت و کفار بالاجبار به امر خداوند تن در می‌دهند، درندگان و پرندگان نیز به اکراه تسلیم می‌شوند و درندگان به حیوانات و پرندگان آسیب نمی‌رسانند و مؤمن صاحب فرزند شده و این فرزند نمی‌میرد تا چهل ساله شود. (مروزی، ۱۴۱۴: ۴۰۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۲۱۲ - ۲۱۳)

باز در روایتی دیگر عبد الله بن مسعود از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند:

یاران عیسی بن مریم علیهم‌السلام که به همراه وی به جنگ دجال می‌روند، پس از خروج دابة الارض، چهل سال در نعمت و امنیت از زندگی در زمین بهره‌مند خواهند شد.

الْحَسَنُ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخَلَ أَهْلَ الصَّلَاةِ الْجَنَّةَ وَإِنَّمَا أَعْنَى بِهَذَا الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا فِي زَمَنِ الْفِتْنَةِ عَلَى الْإِئْتِمَامِ بِالْإِمَامِ الْخَفِيِّ الْمَكَانِ الْمَسْتُورِ عَنِ الْأَعْيَانِ فَهَمَّ بِإِمَامَتِهِ مَقْرُونٌ وَبِعَزْوَتِهِ مُسْتَمْسِكُونَ وَلِخُرُوجِهِ مُنْتَظِرُونَ مُوقِنُونَ غَيْرُ شَاكِينَ صَابِرُونَ مُسَلِّمُونَ وَإِنَّمَا صَلُّوا عَنْ مَكَانِ إِمَامِهِمْ وَ عَنْ مَعْرِفَةِ شَخْصِهِ يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا حَجَبَ عَنْ عِبَادِهِ عَيْنَ الشَّمْسِ الَّتِي جَعَلَهَا دَلِيلًا عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ فَمَوْسَعٌ عَلَيْهِمْ تَأْخِيرُ الْوَقْتِ لِيَتَّبِعِينَ لَهُمُ الْوَقْتِ يَظْهَرُهَا وَ يَسْتَتِيقُونَهَا أَنَّهُ قَدْ زَالَتْ فَكَذَلِكَ الْمُنْتَظِرُ لِخُرُوجِ الْإِمَامِ عليه‌السلام الْمُتَمَسِّكُ بِإِمَامَتِهِ مَوْسَعٌ عَلَيْهِ جَمِيعُ فَرَائِضِ اللَّهِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْهِ مَقْبُولَةٌ الْمَقْبُولَةُ مِنْهُ بِخُدُودِهَا غَيْرَ خَارِجٍ عَنْ مَعْنَى مَا فُضِّلَ عَلَيْهِ فَهَوَّ صَابِرٌ مُخْتَسِبٌ لَا تَصْرُهُ غَيْبَةُ إِمَامِهِ».

۱. در نقل نعیم بن حماد طلوع الشمس است نه طلوع الشمس من مغربها و این احتمال وجود دارد که این روایت، ارتباط به بحث ما نداشته باشد. در کتاب *المستدرک* همین روایت از نعیم بن حماد نقل و در متن آن طلوع الشمس من مغربها ذکر شده است:

«... ثنا نعیم بن حماد ثنا ابن لهیعة عن عبد الوهاب ابن حسین عن محمد بن ثابت البنانی عن أبيه عن الحارث عن عبد الله بن مسعود رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه وآله قال خروج الدابة بعد طلوع الشمس من مغربها...» (نک: حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴، ۵۲۱ - ۵۲۲).

(مروزی، ۱۴۱۴: ۴۰۲)

در این روایات، جامعه بعد از طلوع خورشید از مغرب را دارای عدالت، رفاه عمومی، امنیت فراگیر، برکت در نسل و ایمان همه اقشار ترسیم می‌نماید و این تصویر با آن چه در روایات عصر ظهور دیده می‌شود، هماهنگی قابل توجهی دارد و این نکته می‌تواند قرینه‌ای بر یکی بودن طلوع خورشید از مغرب و ظهور امام مهدی علیه السلام باشد.

پاسخ: این دلیل فقط این نظریه را به عنوان یک احتمال تقویت می‌کند، اما قابل استدلال و علم‌آور نیست.

#### و) تفسیر آیه «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» و پایان فرصت شیطان به دو تفسیر

در تفسیر آیه «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ» (حجر: ۳۸؛ ص: ۸۱) چند گروه روایت وجود دارد؛ یک دسته از آن‌ها هنگامه مرگ شیطان و پایان مهلت او را طلوع خورشید از مغرب دانسته (همو: ۳۹۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۶۲) و دسته دیگر می‌گوید: مراد از وقت معلوم ظهور امام مهدی علیه السلام است (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۴۲؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۳۷۱ - ۳۷۲؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۲۷۴؛ طبری شیعی، ۱۴۱۳: ۴۵۳) و فارغ از بحث سندی در روایات، نظریه نمادین بودن طلوع وجه جمع و توافق خوبی برای حل تعارض بین این دو گروه از روایات نیز خواهد بود به این صورت که بگوییم طلوع خورشید از مغرب تعبیری نمادین است و به ظهور امام مهدی علیه السلام اشاره دارد.

پاسخ: اگر سند این دو گروه روایات بررسی شود و هردو از سند قابل قبولی برخوردار باشند و نیز احتمالات دیگر در تفسیر آیه مانند این که مراد از وقت معلوم، قیامت و یا وقت دیگری غیر از ظهور امام مهدی علیه السلام و طلوع خورشید از مغرب، مورد تأیید روایات نباشد، این استدلال بهترین دلیل برای نظریه نمادین بودن طلوع خورشید از مغرب خواهد بود؛ زیرا وقت معلوم در آیه منحصر به ظهور امام مهدی علیه السلام و طلوع خورشید از مغرب خواهد شد و جمع بین دو گروه روایت به ظاهر متعارض اقتضای برداشت نمادین را خواهد داشت.

#### ز) تفسیر آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» به دو تفسیر

در تفسیر آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» روایات متعدد و مختلف است؛ یک دسته از آن‌ها طلوع خورشید از مغرب را منظور آیه دانسته (قمی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۲۲۱ و ج ۲، ۳۲۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۳۸۴ - ۳۸۵؛ کلینی، ۱۳۶۷: ج ۵، ۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶، ۳۱۲ - ۳۱۳؛ ج ۴۶،

۳۲-۳۳، ج ۷۵، ۱۶۶، ج ۹۰، ۹۸، ج ۹۷، ۱۶؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۴، ۳۲۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۵۷). گروه دیگری می‌گوید: مراد ظهور امام مهدی علیه السلام است (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۰۱-۱۰۲ و ۱۲۸؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۱۸، ۳۰، ۳۳۶، ۳۵۷؛ سید مرتضی، ۱۴۱۴: ۱۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۴، ۳۳). فارغ از بحث سندی در روایات، نظریه نمادین بودن طلوع، وجه جمع و توافق خوبی برای حل تعارض دو گروه از روایات خواهد بود به این صورت که بگوییم طلوع خورشید از مغرب تعبیری نمادین است و اشاره به ظهور امام مهدی علیه السلام دارد.

**پاسخ:** این استدلال با وجود کلمه «بعض» در آیه که دارای قابلیت حمل بر بیشتر از یک مصداق است، مخدوش بوده و قابل استناد نیست.

**ح) پایان یافتن فرصت توبه و فایده نداشتن ایمان پس از طلوع خورشید از مغرب و ظهور امام مهدی علیه السلام**

در بسیاری از روایات طلوع خورشید از مغرب به این نکته اشاره شده است که پس از این طلوع درب توبه بسته خواهد شد و ایمان افراد سودی به حالشان نخواهد داشت (ابن حنبل، بی تا: ج ۴، ۲۳۹-۲۴۰؛ نسائی، ۱۴۱۱: ج ۶، ۳۴۴؛ ابن ماجه القزوينی، بی تا: ج ۲، ۱۳۵۳؛ بیهقی، بی تا: ج ۱، ۲۸۱-۲۸۲؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۲۰۵-۲۰۶؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۱۰، ۱۹۸؛ صنعانی، بی تا: ج ۱، ۲۰۴-۲۰۶؛ طبرانی، ۱۴۰۶: ج ۸، ۵۶-۵۷، ج ۱۰، ۲۰۶؛ مروزی، ۱۴۱۴: ۳۹۸) و در یک روایت فرصت توبه را به ظهور امام مهدی علیه السلام محدود می‌کند (صدوق، ۱۴۰۵: ۱۸) و این می‌تواند مؤید نظریه نمادین بودن باشد با این توضیح که مراد از طلوع و پایان فرصت توبه همان ظهور است.

**پاسخ:** این استدلال خوبی است، اما در روایت دیگری فرصت توبه محدود به مرگ حجت الهی و خالی شدن زمین از حجت شده است (برقی، ۱۳۷۰: ج ۱، ۲۳۶) و این با طلوع واقعی خورشید در آستانه قیامت سازگاری دارد.

### پاسخ به چند پرسش

در بسیاری از روایات مربوط به طلوع خورشید از مغرب به ویژه در روایات تفسیری این موضوع، به پذیرفته نشدن توبه و فایده نداشتن ایمان پس از طلوع تصریح شده است. بر فرض نمادین بودن طلوع خورشید از مغرب و حمل بر ظهور امام مهدی علیه السلام، عدم قبولی توبه و بی فایده بودن ایمان پس از طلوعی چه توجیهی دارد؟

پاسخ: آیه «فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ» (غافر: ۸۵) بیان می‌کند که عدم نفع ایمان در هنگامه دیدن عذاب الهی یک سنت خداوندی است و شکی نیست که ظهور امام مهدی علیه السلام از پس پرده غیبت، سرآغاز بَأْس الهی و عذاب برای کافران خواهد بود و مطابق سنت خداوند ایمان تا قبل از آمدن عذاب سودمند است و پس از مشاهده عذاب نفعی نخواهد داشت و در عصر ظهور وضوح حق به درجه عالی می‌رسد و غیب مشهود خواهد شد و در آن هنگام توبه کافران و معاندان قبول نخواهد شد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ» می‌فرماید:

آیات خداوند، امامان هستند و آیه‌ای که مردم منتظرش هستند، امام مهدی علیه السلام است که وقتی ظاهر شود ایمان افرادی که سابقه اعتقادی نسبت به مهدویت ندارند به حال آن‌ها سودمند نخواهد بود اگر چه به امامان دیگر معتقد باشند. (صدوق، ۱۴۰۵: ۱۸)

با فرض نمادین بودن طلوع خورشید از مغرب، مراد از خورشید امام مهدی علیه السلام است همان گونه که استعمال این واژه در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و به‌ویژه ولی عصر علیه السلام در سایر روایات به چشم می‌خورد و منظور از طلوع، ظهور آن حضرت است. اما معنای طلوع از مغرب چیست؟

پاسخ: در روایات طلوع خورشید از مغرب دو گونه تعبیر وجود دارد «من المغرب» و «من مغربها» و کلمه دوم نسبت به واژه قبل پر تکرارتر است، با توجه به واژه من المغرب و الف و لام عهد احتمال دارد منظور از طلوع خورشید از مغرب ظهور امام مهدی علیه السلام از شهر مکه باشد زیرا مکه در سمت غرب جزیره العرب است (تبریزیان، ۱۳۸۳: ۳۹۵) و اما با در نظر گرفتن تعبیر «من مغربها» و مرجع ضمیر که خورشید است ممکن است از طلوع خورشید از مغرب، ظهور آن حضرت از پس پرده غیبتش اراده شده باشد.

### دلایل واقعی بودن طلوع خورشید از مغرب

#### الف) بیان مطالبی پیرامون خورشید آسمان در روایات طلوع

در روایات مربوط به طلوع خورشید از مغرب نکات و ریز موضوعاتی است که بر طلوع واقعی

۱. «عَلَى بْنِ رَبَاطٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ فَقَالَ الْآيَاتُ هُمُ الْأَيُّمَةُ وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ هُوَ الْقَائِمُ عليه السلام فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ آبَائِهِ عليهم السلام.

خورشید از مغرب قابل تطبیق است؛ چگونگی طلوع، وضعیت ظاهری خورشید در زمان طلوع، اجازه گرفتن خورشید و ماه در طلوع و عدم صدور فرمان در شب طلوع خورشید از مغرب، بیان چگونگی بسته شدن درب توبه بعد از طلوع و رابطه طلوع خورشید از مغرب با طلوع فجر، در روایات طلوع به چشم می‌خورد.

### ۱. تبیین چگونگی طلوع و حالت خورشید در زمان طلوع

در برخی روایات آمده است که شب طلوع خورشید از مغرب، به اندازه دو (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۵۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۵، ۲۰۸) یا سه شب (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۱۰۸ - ۱۱۰۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۶۰، ج ۲۰۹، ۵۵) طولانی می‌شود و تنها سالکان شب و کسانی که دارای برنامه قرائت قرآن شبانه هستند متوجه این طولانی شدن خواهند شد و فردای آن شب خورشید از مغرب طلوع می‌کند (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۵، ۱۱۰۸ - ۱۱۰۹؛ طبری، ۱۴۱۵: ج ۸، ۷۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۶۰، ج ۲۰۸ - ۲۰۹).

در روایت دیگر وارد شده است که خورشید از مغرب طلوع می‌کند و مردم همگی شیون می‌کنند تا این که خورشید به وسط آسمان برسد سپس بعد برمی‌گردد و از محل طلوعش (مشرق) طلوع می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۵، ۲۰۹).

### ۲. اجازه گرفتن خورشید و ماه در طلوع و عدم صدور فرمان در شب طلوع خورشید

#### از مغرب

در جای دیگر در چگونگی طلوع خورشید می‌فرماید: وقتی خورشید و یا ماه می‌خواهند طلوع کنند از خداوند اجازه می‌گیرند و خدا اجازه می‌دهد و در شب مخصوص، خداوند اذن نمی‌دهد و فرمان طلوع از مغرب صادر می‌گردد (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۴، ۷۵، ج ۸، ۱۷۶؛ نیشابوری، بی‌تا: ج ۱، ۹۶؛ ابن حنبل، بی‌تا: ج ۵، ۱۴۵؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۲۴ - ۳۲۵، ج ۵، ۴۲؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۷۳ - ۳۷۴؛ طبری، ۱۴۱۵: ج ۸، ۷۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۵۷؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴، ۵۴۷ - ۵۴۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۳۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۵، ۲۰۹، ۱۴۴، ۱۴۶).

البته علامه مجلسی پس از نقل روایت اجازه گرفتن خورشید و ماه، بسیاری از مطالب آن را قابل حمل بر معنای خلاف ظاهر می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۵، ۱۴۶)<sup>۱</sup>. به نظر می‌رسد فهم

۱. «بیان قد یحمل أكثر ما ورد فی الخبر علی الاستعارة التمثیلیة و المجاز الشائع فی کلام العرب و الله یعلم حقائق الأمور».

امثال این روایات ساده نباشد و بایستی علمش را به اهلش وانهاد.

### ۳. رابطه طلوع خورشید از مغرب با طلوع فجر

در برخی روایات رابطه بین طلوع فجر و طلوع خورشید از مغرب، مطرح می‌شود و این دسته از اخبار نیز دلیل بر واقعی بودن طلوع خورشید از مغرب خواهند بود  
ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که طلوع فجر برای امت من باعث آسودگی خاطر از طلوع خورشید از مغرب است (ابو شجاع، ۱۴۰۶: ج ۲، ۴۵۸؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ج ۲، ۱۳۳؛ مناوی، ۱۴۱۵: ج ۴، ۳۵۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۳۴۹).<sup>۱</sup>  
ابی خدیجه می‌گوید:

مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد و من می‌شنیدم، گفت من نماز صبح خواندم و هر چه خواستم از ذکر واجب گفتم و می‌خواستم قبل از طلوع خورشید بخوابم اما این خواب را خوش نداشتم. حضرت فرمود: چرا؟ آن مرد گفت: می‌ترسیدم خورشید از غیر از محل طلوع همیشگی اش طلوع کند. حضرت در جواب فرمود: این که غیر قابل فهم نیست؛ نگاه کن از هر جانب که فجر بدمد خورشید نیز از همان جهت طلوع خواهد کرد و هنگامی که ذکر واجب را گفته باشی بدون نگرانی بخواب. (طوسی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۵۱؛ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۳۲۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲۶، ۵۴۴ - ۵۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۶۸)<sup>۲</sup>

در کتاب بحار الانوار این روایت را در زمره روایات امام صادق علیه السلام در ملاحم آورده (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۶۸) و مرحوم فیض نیز در شرح آن کلام مفصلی در مورد طلوع خورشید از مغرب ذکر کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲۶، ۵۴۴)؛<sup>۳</sup> اما احتمال دارد که نگرانی راوی از تشخیص طلوع فجر صادق و اشتباه در وقت نماز صبح باشد و ارتباطی با بحث طلوع از مغرب نداشته باشد؛ خصوصاً این که در این روایت لفظ طلوع خورشید از مغرب نیست، بلکه طلوع

۱. «طلوع الفجر أمان لامتی من طلوع الشمس من مغربها (فر عن ابن عباس)».

۲. «عن أبي خديجة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سأله رجل وأنا أسمع فقال: إني أصلي الفجر ثم أذكر الله بكل ما أريد أن أذكره مما يجب على فأريد أن أضع جنبى فأنام قبل طلوع الشمس فأكره ذلك قال "ولم" قال: أكره أن تطلع الشمس من غير مطلعها، قال: ليس بذلك خفاء انظر من حيث يطلع الفجر فمن ثمة تطلع الشمس وليس عليك من حرج أن تنام إذا كنت قد ذكرت الله عز وجل».

۳. «بيان: لما كان السائل قد بلغه أنه إذا جاء وقت ظهور القائم عليه السلام فهناك تطلع الشمس من مغربها فكان ينتظر ذلك الزمان فخاف إن هو نام قبل طلوعها حين ظهوره عليه السلام وطلعت الشمس من غير مطلعها وكان هو حينئذ نائماً غافلاً عنه فأجابه عليه السلام بأن هذا الأمر بين لا خفاء به لأن الشمس في كل يوم إنما تطلع من حيث يطلع الفجر في ذلك اليوم مشرقاً كان أو مغرباً ومن ينام بعد الفجر فهو قد يرى مطلع الفجر في ذلك اليوم فيحصل له العلم لا محالة بمطلع الشمس فيه، ونفى الحرج عن النوم في هذا الخبر أيضاً محمول على الجواز والرخصة».

خورشید از غیر محل طلوعش است با در نظر گرفتن این احتمال این روایت قابل استناد نخواهد بود.

### ب) فهم علما و حدیث‌شناسان

برخی منابع روایی و یا شرح حدیث در ضمن بیان روایات طلوع از مغرب به واقعی بودن آن تصریح کرده‌اند.

مرحوم فیض کاشانی طلوع خورشید از مغرب واقعی دانسته و آن را کنایه از آغاز تغییرات کیهانی در آستانه قیامت می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۱۵، ۶۱) و مرحوم مجلسی نیز این کلام را نقل کرده و بر آن صحه می‌گذارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ۱۶۷).<sup>۲</sup>

### ج) زمان طلوع پس از فرود آمدن مسیح علیه السلام

منابع روایی شیعه و سنی نزول حضرت عیسی بن مریم علیه السلام را پس از ظهور امام مهدی علیه السلام پیروزی بردشمنان و فتح بیت المقدس بیان کرده‌اند و احادیث نماز جماعت در بیت المقدس که امامت آن را امام زمان علیه السلام عهده دار است و عیسی بن مریم پس از فرود آمدن از آسمان به ایشان اقتدا می‌کند نیز مؤید این معنا خواهد بود. بنابراین نمی‌توان طلوعی را که به گفته برخی روایات پس از مسیح رخ خواهد داد، نماد ظهور امام مهدی علیه السلام دانست.

در روایت ارطاة بن منذر، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بیان فتنه‌های آخر الزمان می‌فرماید:

سپس مسیح است و پس از آن طلوع خورشید از مغرب. (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۱، ۱۶۳ - ۱۶۴)<sup>۳</sup>

در روایت عبد الله بن مسعود از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

پس از نزول عیسی بن مریم و کشته شدن دجال به دست وی، زندگی ادامه دارد تا طلوع خورشید از مغرب. (مروزی، ۱۴۱۴: ۳۵۴ و ۳۹۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۲۰۳)<sup>۴</sup>

۱. «و لعل طلوع الشمس من مغربها کنایة عن أشراط الساعة و قیام القیامة».

۲. «و لعل طلوع الشمس من مغربها کنایة عن أشراط الساعة و قیام القیامة كما قاله الفیض رحمه الله فی الوافی».

۳. «أرطاة بن المنذر قال: بلغنا أن رسول الله صلی الله علیه و آله قال تكون فی أمتی أربع فتن تصیب أمتی، فی آخرها فتن مترادفة... ثم المسیح، ثم طلوع الشمس من مغربها».

۴. «حدثنا نعیم ثنا أبو عمر عن ابن لهیعة عن عبد الوهاب بن حسین عن محمد بن ثابت عن أبيه عن الحارث عن عبد الله عن النبی صلی الله علیه وسلم قال (إذا نزل عیسی بن مریم وقتل الدجال تمتعوا حتی تجیئوا لیلة طلوع الشمس من مغربها...».



حذیفة بن یمان از پیامبر ﷺ نقل می‌کند:

دجال و نزول عیسی علیه السلام از اولین نشانه‌ها هستند و در آخر طلوع خورشید از مغرب خواهد بود. (طبری، ۱۴۱۵: ج ۱۷، ۱۱۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۵۹ - ۲۶۰)<sup>۱</sup>

#### د) طلوع، پایان عمر دنیا و پس از قبض روح خلائق

طلوع خورشید از مغرب اگر نماد ظهور امام مهدی علیه السلام باشد، نه تنها پایان دنیا و هنگامه شروع قیامت نیست، بلکه سرآغاز زندگی طیبه بشر است و مطابق روایات شیعه این حکومت الهی سالیان طولانی ادامه خواهد داشت (نک: ورمزیار، ۱۳۹۲). بنابراین روایاتی که طلوع خورشید از مغرب را بسیار نزدیک به قیامت می‌دانند، می‌توانند قرینه بر واقعی بودن طلوع باشند.

در روایت ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله بیان می‌شود که از زمان طلوع از مغرب اگر مردی یک کره اسب را برای سواری پرورش بدهد موفق به سوار شدن بر آن نخواهد شد (مروزی، ۱۴۱۴: ۳۹۷؛ ابن حجر، بی تا: ج ۱۱، ۳۰۶؛ طبری، ۱۴۰۳: ج ۱، ۵۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۶۱) و این خبر حاکی از کمی فرصت بین طلوع تا قیامت است.

در روایت انس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است:

صبح روز طلوع خورشید از مغرب عده‌ای از این امت به صورت میمون و خوک خواهند شد. دفاتر و اقلام ثبت اعمال بسته و خشک خواهند شد و در اعمال نیک و بد چیزی اضافه و کم نخواهد شد. (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۳، ۵۹)

مطالب ذکر شده در این خبر همگی تصویری از شروع قیامت کبراست.

حذیفة بن اسید به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید:

بادی که خداوند به وسیله آن جان مؤمنان را می‌گیرد می‌وزد و سپس خورشید از مغرب طلوع خواهد کرد. (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۸، ۹؛ طبرانی، ۱۴۰۶: ج ۳، ۱۷۵؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۳، ۵۹۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۳۴۹)

۱. « عن ربی بن حراش، قال: سمعت حذیفة بن الیمان یقول: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أول الآیات: الدجال ونزول عیسی و نار تخرج من قعر عدن أبین، تسوق الناس إلى المحشر، تقیل معهم إذا قالوا والدخان والدابة، ثم یأجوج ومأجوج ... فعند ذلك طلوع الشمس من مغربها »

متن مشابه: « بین یدی الساعة عشر آیات کالانظم فی الخیط، إذا سقط منها واحدة توالی: خروج الدجال ونزول عیسی ابن مریم وفتح یأجوج ومأجوج والدابة وطلوع الشمس من مغربها وذلك حین لا ینفع نفسا ایمانها » (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۰).

ه) پایان یافتن فرصت توبه و فایده نداشتن ایمان پس از طلوع خورشید از مغرب و مرگ حجت الهی

در بسیاری از روایات طلوع خورشید از مغرب به این نکته اشاره شده است که پس از این طلوع درب توبه بسته خواهد شد و ایمان افراد سودی به حالشان نخواهد داشت (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۴، ۲۳۹-۲۴۰؛ نسائی، ۱۴۱۱؛ ج ۶، ۳۴۴؛ ابن ماجه القزوینی، بی‌تا: ج ۲، ۱۳۵۳؛ بیهقی، بی‌تا: ج ۱، ۲۸۱-۲۸۲؛ ترمذی، ۱۴۰۳؛ ج ۵، ۲۰۵-۲۰۶؛ هیثمی، ۱۴۰۸؛ ج ۱۰، ۱۹۸؛ صنعانی، بی‌تا: ج ۱، ۲۰۴-۲۰۶؛ طبرانی، ۱۴۰۶؛ ج ۸، ۵۶-۵۷؛ ج ۱۰، ۲۰۶؛ مروزی، ۱۴۱۴؛ ۳۹۸؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴، ۲۶۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴؛ ج ۳، ۵۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹؛ ج ۲، ۲۲، ۲۱۱، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۶۱) در حالی که در روایت عبد الله بن سلیمان عامری از امام صادق علیه السلام بیان شده که در زمین همواره حجتی از خدا هست که حلال و حرام خدا را بشناسد و به راه خدا دعوت کند و تنها چهل روز قبل از قیامت زمین خالی از حجت خواهد شد و هنگامی که حجت از میان مردم برداشته شود درب توبه بسته شده و ایمان افراد فایده‌ای به حالشان نخواهد داشت (برقی، ۱۳۷۰؛ ج ۱، ۲۳۶). شاید بتوان از این روایت برداشت کرد که طلوع خورشید از مغرب مقارن با مرگ حجت الهی است و این با نمادین بودن طلوع برای ظهور سازگاری ندارد.

### پاسخ به یک پرسش

بر فرض واقعی بودن طلوع خورشید از مغرب، چه نیازی به این امر است و چرا خداوند چنین اراده‌ای نموده است؟

**پاسخ:** طلوع واقعی خورشید از مغرب، یا به عنوان علامت برای ظهور موعود علیه السلام است و یا نشانه شروع قیامت و یا این که دو مرتبه اتفاق می‌افتد؛ یکی در هنگامه ظهور و دیگری در آغاز قیامت. اگر طلوع علامت برای ظهور امام مهدی علیه السلام باشد، حکمت آن، اثبات حقانیت آن حضرت و توجه دادن مردم به جانب ایشان است، همان‌گونه که در سایر علائم این کارکرد هست و یا شاید هم توسط امام مهدی علیه السلام در پاسخ به منکران به عنوان معجزه و کرامت انجام گیرد و اگر در هنگامه قیامت باشد و نظریه عدم امکان طلوع خورشید از مغرب پذیرفته شود، به عنوان شروع قیامت و به هم ریختن نظام هستی است.

در برخی منابع حکمت طلوع خورشید از مغرب را پاسخ به کلام ابراهیم خلیل الرحمن

می‌دانند (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۹۶؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۷۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۴، ۲۱۰)<sup>۱</sup> که فرمود: خدای من کسی است که خورشید را از مشرق می‌آورد و اگر تو (نمرود) ادعای خدایی داری آن را از مغرب بیاور (بقره: ۲۵۸). خداوند نیز قسم خورده که تا قبل از قیامت خورشید را از مغرب بیاورد تا همگان بدانند که او قادر بر این کار است (بلخی، ۱۴۲۳: ج ۱، ۲۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۳، ۲۸۵؛ قونوی، ۱۴۲۲: ج ۵، ۴۰۸؛ سمرقندی، بی‌تا: ج ۱، ۱۷۱)<sup>۲</sup>.

### نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن یافته‌های تحقیق، جنبه واقعی بودن طلوع خورشید از مغرب به جهت وجود روایات فراوان که اشاره مستقیم به خورشید آسمان دارد و دلایل دیگر که قابل حمل بر معنای نمادین (ظهور) نیست، تقویت می‌شود و اما نظریه نمادین و سمبلیک بودن طلوع خورشید از مغرب اگر چه مستند روایی ندارد اما با توجه به قرائن و شواهدی که در مسئله است به عنوان یک نظریه قابلیت طرح در مجامع علمی را دارد.

۱. «و قال عبد العزيز بن يحيى الكنانى: والحكمة فى طلوع الشمس من مغربها إن إبراهيم عليه السلام قال لنمرود: ربى الله يأتى بالشمس من المشرق فأنت بها من المغرب فبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَأَنَّ المَلْحَدَةَ وَ المَنْجَمَةَ عَنْ آخِرِهِمْ يَنْكُرُونَ ذَلِكَ وَ يَقُولُونَ هُوَ غَيْرُ [كائن] فَيَطْلَعُهَا اللهُ تَعَالَى يَوْمًا مِنَ المَغْرِبِ لِيَرَى المَنْكِرِينَ قَدْرَتَهُ فَإِنَّ الشَّمْسَ مِنْ مَلَكَةٍ إِنْ شَاءَ أَطْلَعَهَا مِنَ المَطْلَعِ وَ إِنْ شَاءَ مِنَ المَغْرِبِ».

۲. «فقال الله - سبحانه - : و عزتى و جلالى لا تقوم الساعة حتى آتى بها. يعنى الشمس من قبل المغرب فيعلم من يرى ذلك أنى أنا الله قادر على أن أفعل ما شئت».

## منابع

- آریان پور، منوچهر (۱۳۸۵ق)، *فرهنگ پیشرو آریان پور*، تهران، جهان رایانه، چاپ چهارم.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- أبوشجاع شیرویه بن شهردار بن شیرویه الدیلمی الهمذانی ملقب به إلیکیا (۱۴۰۶ق)، *الفردوس بمأثور الخطاب*، تحقیق: السعید بن بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه قمی، علی بن الحسین (۱۴۰۴ق)، *الإمامة والتبصرة*، قم المقدسة، مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، چاپ اول.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق: عبدالرزاق المهدي، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ اول.
- ابن حجر (بی تا)، *فتح الباری*، بیروت، دار المعرفه، چاپ دوم.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا)، *مسند احمد*، دار صادر، بیروت.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، *الملاحم والفتن التشریف بالمن فی التعریف بالفتن*، اصفهان، مؤسسه صاحب الأمر علیه السلام، نشاط، چاپ اول.
- ابن ماجه القزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، *سنن ابن ماجه*، تحقیق و ترفییم و تعلیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بی جا، دار الفکر للطباعة و النشر.
- إربلی، ابن أبی الفتح (بی تا)، *كشف الغمة*، دار الأضواء، بیروت.
- استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق)، *تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول.
- امینی، عبد الحسین احمد (علامه امینی) (۱۳۹۷ق)، *الغدیر*، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ چهارم.
- انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن، چاپ اول.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: مؤسسه البعثة، قم، بنیاد بعثت، تهران، چاپ اول.
- بخاری (۱۴۰۱ق)، *صحیح البخاری*، إستانبول، دار الفکر- دار الطباعة.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۰ق)، *المحاسن*، تصحیح و تعلیق: السید جلال الدین

- الحسينى (المحدث)، طهران، دار الكتب الإسلامية.
- بغدادى، علاء الدين على بن محمد (۱۴۱۵ق)، *لباب التأويل فى معانى التنزيل*، تحقيق: محمد على شاهين، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول.
- بلخى، مقاتل بن سليمان (۱۴۲۳ق)، *تفسير مقاتل بن سليمان*، تحقيق: عبد الله محمود شحاته، بيروت، دار إحياء التراث، چاپ اول.
- بيهقى (بى تا)، *السنن الكبرى*، دار الفكر، بى جا.
- تبريزيان، عباس (۱۳۸۳ش)، *العد التنزلى فى علائم ظهور المهدي*، تهران، ژرف، چاپ اول.
- ترمذى (۱۴۰۳ق)، *سنن الترمذى (جامع الصحيح)*، تحقيق و تصحيح: عبد الرحمن محمد عثمان، بيروت، دار الفكر، چاپ دوم.
- ثعلبى نيشابورى، ابواسحاق احمد بن ابراهيم (۱۴۲۲ق)، *الكشف والبيان عن تفسير القرآن*، تحقيق: ابو محمد بن عاشور، بيروت، دار إحياء التراث العربى، چاپ اول.
- جزايرى، سيد نعمة الله (۱۴۱۷ق)، *نور البراهين (أو أنيس الوحيد فى شرح التوحيد)*، تحقيق: السيد مهدي الرجائى، قم، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، چاپ اول.
- حاكم نيشابورى (بى تا)، *المستدرک*، إشراف: يوسف عبد الرحمن المرعشلى، بى نا، بى جا.
- حلى، حسن بن سليمان (۱۳۷۰ق)، *مختصر بصائر الدرجات*، النجف الأشرف، المطبعة الحيدرية - قم، انتشارات الرسول المصطفى ﷺ، چاپ اول.
- خزاز قمى (۱۴۰۱ق)، *كفاية الأثر*، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسينى الكوهكمري الخوئى، قم، انتشارات بيدار.
- خصيبى، حسين بن حمدان (۱۴۱۹ق)، *الهداية الكبرى*، بيروت، البلاغ.
- الدانى، أبو عمرو عثمان بن سعيد المقرئ (۱۴۱۶ق)، *السنن الواردة فى الفتن وغوائلها والساعة و أشراتها*، تحقيق: ضاء الله بن محمد إدريس المباركفورى، الرياض، دار العاصمة، چاپ اول.
- راوندى، قطب الدين (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، مؤسسة الإمام المهدي، چاپ اول.
- سمرقندى نصر بن محمد بن احمد (بى تا)، *بحر العلوم*، تحقيق: ابو سعيد عمر بن غلامحسن عمروى، بيروت، دار الفكر، چاپ اول.
- سيد مرتضى (۱۴۱۴ق)، *الفصول المختارة*، تحقيق: السيد نور الدين جعفرىان الاصبهانى، الشيخ يعقوب الجعفرى، الشيخ محسن الأحمدي، بيروت، دار المفيد، چاپ دوم.
- سيوطى، عبد الرحمن بن ابى بكر (۱۴۰۱ق)، *الجامع الصغير*، بيروت، دار الفكر، چاپ اول.

- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴ق)، الدرالمشور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله  
مرعشی نجفی، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، معانی الأخبار، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم،  
مؤسسه النشر الإسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ق)، علل الشرائع، تقدیم: السيد محمد صادق بحر العلوم،  
نجف، منشورات المكتبة الحیدریة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۵ق)، کمال السدین و تمام النعمة، تصحیح و تعلیق: علی اکبر  
غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی (جامعه  
مدرسين)، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ق)، الأملی، قم، مؤسسه البعثة، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ صنعانی، عبدالرزاق (بی تا)، المصنف، تحقیق: شیخ المحدث حبيب الرحمن الأعظمی،  
بی جا، بی نا.
- \_\_\_\_\_ طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی  
جامعه مدرسين، چاپ پنجم.
- \_\_\_\_\_ طبرانی (۱۴۰۶ق)، المعجم الكبير، تحقیق و تخريج: حمدی عبد المجید السلفی، بی جا،  
دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، المعجم الأوسط، بی جا، دار الحرمین للطباعة والنشر والتوزيع.
- \_\_\_\_\_ طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر مجمع البیان، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات،  
چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶ق)، الاحتجاج، تعلیق و ملاحظات: السيد محمد باقر الخرسان،  
النجف الأشرف، دار النعمان للطباعة و النشر.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۶ق)، تاج الموالید، به کوشش: سید محمود مرعشی، قم، مکتب  
آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- \_\_\_\_\_ طبری شیعی، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامة، قم، مؤسسه البعثة، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳ق)، تاریخ طبری، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، جامع البیان، تقدیم: الشيخ خليل الميس / ضبط و توثيق و

- تخریج: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۳ش)، *الاستبصار*، تحقیق و تعلیق: السید حسن الموسوی الخرسان، طهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۵ش)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق و تعلیق: السید حسن الموسوی الخرسان، طهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتعبد*، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۴ق)، *الأملی*، قم، دار الثقافة، چاپ اول.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- عمید، حسن (۱۳۸۲ش)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیر کبیر، چاپ بیست و ششم.
- عباشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمية، چاپ اول.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ش)، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین* (ط - القديمة)، قم، انتشارات رضی، چاپ اول.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷ق)، *تفسیر القمی*، تصحیح و تعلیق و تقدیم: السید طیب الموسوی الجزائری، النجف، منشورات مكتبة الهدی.
- قونوی، اسماعیل بن محمد (۱۴۲۲ق)، *حاشیة القونوی علی تفسیر البیضاوی*، بیروت، دارالکتب العلمية، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷ش)، *الكافی*، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، طهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ سوم.
- کورانی عاملی، علی (۱۴۱۱ق)، *معجم أحاديث الإمام المهدي علیه السلام*، قم، مؤسسة المعارف

- الإسلامية، چاپ اول.
- متقى هندی (١٤٠٩ق)، *كنز العمال*، ضبط و تفسیر: الشيخ بكرى حيانى / تصحيح و فهرسة: الشيخ صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى (١٤٠٣ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، چاپ دوم.
- مروزى، نعيم بن حماد (١٤١٤ق)، *كتاب الفتن*، تحقيق و تقديم: الدكتور سهيل زكار، بيروت، دار الفكر.
- مفيد، محمد بن محمد بن النعمان (١٤١٤ق)، *الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد*، بيروت، مؤسسة آل البيت، چاپ دوم.
- مقدسى شافعى، يوسف بن يحيى بن على بن عبد العزيز (١٣٩٩ق)، *عقد الدرر فى اخبار المنتظر*، تحقيق: دكتور عبد الفتاح محمد الحلو، قاهره، عالم الفكر، چاپ اول.
- مناوى (١٤١٥ق)، *فيض القدير شرح الجامع الصغير*، تصحيح: أحمد عبد السلام، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول.
- نسائى (١٤١١ق)، *السنن الكبرى*، تحقيق: عبد الغفار سليمان البندارى، سيد كسروى حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول.
- نعمانى، محمد بن إبراهيم (١٤٢٢ق)، *كتاب الغيبة*، تحقيق: فارس حسون كريم، قم، أنوار الهدى، چاپ اول.
- نيشابورى، مسلم بن حجاج (بى تا)، *صحيح مسلم*، بيروت، دار الفكر.
- ورمزيار، مصطفى (١٣٩٢ش)، «مدت حكومت امام زمان عليه السلام»، فصل نامه علمى - ترويجى *پژوهش های مهدوى*، شماره ٦.
- هيثمى (١٤٠٨ق)، *مجمع الزوائد*، بيروت، دار الكتب العلمية، طبع بإذن خاص من ورثة حسام الدين القدسى مؤسس مكتبة القدسى بالقاهرة.